



# مکتوب

پوگردان آرش حجازی و پیرام جعفری



## به نام خدا

نام کتاب: مکتوب اثری از: پائولو کونلیو برگردان: آرش حجازی  
انتشارات: کاروان تعداد صفحات: ۱۸۵ صفحه

نوشتار این کتاب با دیگر نوشته های پائولو که هر کدام شامل داستانی یکپارچه می باشد، متفاوت است. به اینصورت که تقریباً هر صفحه از کتاب مربوط به یک عنوان خاص می باشد. این کتاب شامل ۱۶۸ عنوان است که هر صفحه از کتاب در مورد هر کدام از آنها، داستان و تجربه ای از نویسنده، نقل قول یا پیامی با خود دارد. زیبایی این کتاب چنین اقتضا می نماید که با خواندن هر صفحه نمی توانید به سرعت به صفحه ی بعدی بروید، دوست دارید روی مطلب کوتاه خوانده شده، بیشتر تامل نمایید و چند بار جملات را بخوانید و روی آن ها تعمق نمایید.

اولین واژه، مکتوب می باشد، یعنی نوشته شده و پائولو داستانی را برای باز کردن معنای این کلمه ذکر می نماید.

عنوان دیگر، اشک است. در توضیح آن می خوانید که همه ی ما نگران عمل کردن، انجام کار، حل کردن مشکلات و تامین دیگرانیم. همواره می کوشیم برنامه ای بریزیم، نتیجه ی دیگری بگیریم، و چیز دیگری کشف کنیم. در این ماجرا هیچ چیز نادرستی وجود ندارد، هر چه باشد، این گونه است که جهان را می سازیم و تغییر می دهیم. اما عمل نیایش نیز بخشی از زندگی ست. گاهی بازایستادن، گریختن از خویشتن، و خاموش ایستادن در برابر کیهان، زانو زدن با جسم و روح، بی خواستن چیزی، بی اندیشیدن، بی حتی سپاسگزاری به خاطر چیزی، تنها تجربه ی گرمای عشقی که ما را احاطه می کند. در این لحظه ها، شاید اشک های غیر منتظره ای ظاهر شوند... اشک هایی که نه به شادی فرو می ریزند و نه به اندوه. از این پدیده شگفت زده نشوید، این یک عطیه است. این اشک ها روح شما را پاک می کنند.

پائولو درباره ی واژه ی شجاعت می نویسد: ترس نشان ترسو بودن نیست. ترس می گذارد در برابر موقعیت های زندگی، شجاع و متین باشیم. کسی که ترس را تجربه می کند، و با وجود این ترس، بی آن که مرعوب شود، به راه خود ادامه می دهد، شجاعت خود را ثابت می کند. اما کسی که به شرایط دشوار تن می دهد بی آن که خطر را به حساب بیاورد، تنها بی مسوولیتی خود را ثابت می کند.

در مورد واژه ی حقیقت اینطور توضیح می دهد: حقیقت چیزی نیست که به ما اطمینان و یقین می بخشد. حقیقت چیزی نیست که ما را از دیگران بهتر می کند. حقیقت چیزی نیست که در زندان عقاید از پیش تعیین شده ی خود حبس کرده ایم. حقیقت چیزی است که ما را آزاد می کند. حقیقت را بدان، و حقیقت تو را آزاد خواهد کرد.

همینطور در رابطه با واژه ی مبارزه می نویسد: از حالا، تا چند صد سال دیگر، کیهان آنانی را که عقاید از پیش تعیین شده دارند، کنار می گذارد. انرژی زمین باید تجدید شود. عقاید جدید نیازمند فضا هستند. جسم و روح نیازمند مبارزه های نوینی ست. آینده بر در ما می کوبد، و تمامی عقاید، به جز آنانی که بر مفروضات از پیش تعیین شده استوارند، فرصت ظهور خواهند داشت. آن چه مهم است، می ماند؛

آن چه بی فایده است، ناپدید می شود. اما بگذارید هر کس تنها درباره ی مفاهیم شخصی خود قضاوت کند. ما قاضیان رویاهای دیگران نیستیم. برای آن که به طریق خود ایمان داشته باشیم، لازم نیست ثابت کنیم که طریق دیگران نادرست است. کسی که چنین می پندارد، به گام های خود نیز ایمان ندارد.

در پایان خواندن این کتاب زیبا و سرشار از آموزه های نغز را به همه، مخصوصا به افرادی که در جستجوی جملات نغز و کوتاه و بسیار اثرگذار هستند، توصیه می نمایم.

باشد که با خواندن این کتاب، توانسته باشیم گامی در جهت زیستن سرنوشت شخصی مان برداشته باشیم.

شاد باشید.

سید علی زینعلی  
سلام